

**تحلیل فضایی و ارزیابی شاخص های توسعه یافتگی شهرستان های استان کهگیلویه و بویراحمد
(با استفاده از سیستم تحلیل عاملی و تکنیک خوشه ای)**

اصغر ضرابی^۱، سید علی موسوی نور^۲

چکیده

درک استعدادها و توانمندیهای مناطق و برنامه ریزی برای گسترش و تقویت مزیت های نسبی بر اساس قابلیت ها موجب تعادل و توازن منطقه ای می شود. مطالعه حاضر در تلاش است تا با بهره گیری از سیستم تحلیل عاملی و روش تکنیک خوشه ای به نامتعادل بودن و شکاف موجود بین شهرستانهای استان بپردازد. در پرتو چنین مطالعاتی می توان الزامات استراتژیک توسعه بخش ها و مناطق و شهرستان های استان را تعیین و با دقت در اولویت بندی های راهبردی اهداف توسعه ای را به فراخور توانمندی ها، ظرفیت ها و قابلیت های منطقه ای به انجام رساند. در این مقاله ابتدا ۳۳ شاخص آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، زیربنایی، بهداشتی و جمعیتی مورد بررسی قرار گرفته و از روش پیشرفته تحلیل عاملی به شش عامل تقلیل یافته و بطور ترکیبی در مولفه های معنی دار قرار داده شده و سپس شهرستانهای استان به روش تکنیک خوشه ای به چهار طبقه همگن تقسیم شده اند. شاخص های مورد مطالعه به کمک تکنیک های فوق در نرم افزارهای SPSS و EXCEL محاسبه شده و سپس چگونگی و یا درجه توسعه یافتگی و نابرابریهای شهرستانی محاسبه و تحلیل شده است. نتایج نشان می دهد شهرستانهای استان از جهت توسعه یافتگی کاملا نامتعادل هستند. بطوری که شهرستان بویراحمد به دلیل مرکزیت اداری - سیاسی استان و گچساران به لحاظ نفت خیز بودن شرایط بهتری از جهت شاخص های مورد مطالعه دارند و در سطح برخوردار و شهرستانهای کهگیلویه و چرام، دنا در سطر نیمه برخوردار و شهرستان های لنده، بهمئی و باشت محروم و غیر برخوردارند.

واژگان کلیدی: شاخص های توسعه یافتگی، سیستم تحلیل عاملی، تکنیک خوشه ای، کهگیلویه و بویراحمد.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۱۷

^۱ . عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

^۲ . دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) (Email: s.a.moosavi1995@gmail.com)

مقدمه

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگتر شدن است. (فرهنگ لغت آکسفورد، ۲۰۰۱). توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را در بر دارد، شامل دگرگونیهای اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و دیدگاههای عمومی مردم است. (زیاری، ۱۳۸۱). امروزه تلقی مردم از مفهوم توسعه، فرایندی است همه جانبه و معطوف به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه است. توسعه و توسعه یافتگی تقریباً از نیمه دوم قرن ۲۰ در جهان متداول شده، به سبب در هم تنیدگی ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ضرورت رویکرد یکپارچه را به این موضوع ایجاد کرده است. در باره این مفاهیم اتفاق نظری میان صاحب نظران وجود ندارد و هر یک آن را متناسب با دیدگاهها، باورها و اعتقادات خود تعریف کرده اند. تلاشهای هدفمند و آگاهانه حاکمیت برای توسعه همه جانبه، ضرورت برنامه ریزی منطقه ای را مضاعف می کند. (Potter, J, F.1997)

توسعه یافتگی هدف بزرگی است که بالاترین درجات هماهنگی و همسویی را می طلبد. مکان اصلی این انطباق، اندیشه و تفکر است. به سخن دیگر یکی از اصول ثابت متدولوژیک توسعه صنعتی، همسویی و انطباق اندیشه های افراد یک جامعه است به گونه ای که بتوان به آن چارچوبی منسجم داد.

اسملسر توسعه را فرایندی از تمایز می داند که با ظهور شکل های جدیدی از یگانگی همراه است. او استدلال می کند که جریان توسعه و فرایند تمایز و یگانگی، پیوستاری بدون انقطاع نیست، بلکه همواره گسستگی هایی در کار است که موجب بروز اغتشاش های اجتماعی می شود. تعبیر اسملسر از گسستگی ها کلی و ناظر بر همه نابسامانی هایی است که به طور پیوسته تأخیرها و اختلال هایی را در سرعت حرکت جامعه به سوی هدف های انتخاب شده موجب می شوند. (اسملسر، ۱۹۶۳).

مایکل تودارو در کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم می نویسد: "توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست، که مستلزم تغییراتی اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است". (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۳۵)

پروفیسور گولت، توسعه را هم واقعتی مادی و ذهنی می داند و می نویسد: "برحسب توسعه جامعه از طریق ترکیب فرایند های اجتماعی، اقتصادی و نهادی وسایلی را برای به دست آوردن زندگی بهتر تامین می کند. (همان، ۱۳۸)

مطالعه حاضر با هدف ارزیابی وضعیت توسعه یافتگی شهرستانهای استان کهگیلویه و بویراحمد و درجه بندی و سطح بندی آنها، پس از معرفی و اندازه گیری شاخص ها از سیستم عامل و روش تکنیک خوشه ای استفاده شده است. بررسی و شناخت شاخص های توسعه یافتگی شهرستانها و استانها نسبت به یکدیگر علاوه بر اینکه سبب نگاه ویژه از جهات اقتصادی و شناخت اقتدارهای بالقوه و همچنین کاستی ها و ضعفها شده و در نهایت برنامه ریزی اصولی و منطقی خواهد شد.

ملاحظات تئوریک و تجربی

کارل مارکس^۱: نظریه های مارکس درباره رشد، توسعه، ترقی و تکامل جوامع به شکل مفصلی در آثارش آمده است. نخست در کتاب ایدئولوژی آلمانی (مارکس کارل، ۱۹۷۴) مراحل توسعه شکل های مالکیت قبیله ای، باستانی، فئودالی و سرمایه داری تشریح شده است. سپس شیوه های تولید آسیایی، باستانی، فئودالی و سرمایه داری در کتاب نقد اقتصاد سیاسی (مارکس، ۱۹۷۵) ترسیم شده و نهایتاً موضوع را با جزئیات بیشتری در کتاب شکل بندیهای اقتصادی ماقبل سرمایه داری (مارکس، ۱۹۶۱) دنبال کرده است

از نظر مارکس، انسانها در چارچوب ساخت های اجتماعی زندگی می کنند که از لحاظ تاریخی ثابت نیست. هر ساخت اجتماعی یک نظام اجتماعی است که در آن یک شیوه تولید وجود دارد. هر شیوه تولیدی از نیروهای مولدی که دارای روابط تولیدی

1 . Karl Marx (1818-1883)

خاصی اند تشکیل شده است. آنان که صاحب وسایل تولیدند، طبقه مسلط را تشکیل می دهند و آنان که وسایل تولید ندارند طبقه تحت سلطه اند. به مرور زمان، خواه بر اساس پیشرفت فن آوری، تغییر شیوه سازماندهی تولید و یا هر دو آنها، شیوه های جدیدی برای تولید اشیاء طراحی و پیاده می شوند. این نیروهای جدید، نیازهای قدیمی را بهتر بر می آورند و نیازهای جدیدی را ایجاد می کنند. نیروهای مولدی جدید طبقه جدیدی را ایجاد می کنند که با روابط تولیدی موجود تضاد پیدا می کند. در درازمدت تنش بین این طبقات مخالف به صورت تضاد انقلابی درمی آید و نهایتاً با انقلاب، نظام اجتماعی جدید جانشین نظام اجتماعی قدیم می گردد.

از نظر مارکس، در اروپا نظام های اجتماعی، به ترتیب نظام های اشتراکی اولیه، برده داری، فئودالیسم و سرمایه داری، یکی پس از دیگری، بر جوامع مسلط بوده اند در حالی که در آسیا پس از نظام های اولیه با نظام آسیایی مبتنی بر شیوه تولید آسیایی و استبداد شرقی روبه روییم. این نظام بسیار سخت و مستحکم بوده، به طوری که از درون تغییر حاصل نکرده و تنها از طریق نفوذ استعمار متلاشی گردید. بر اساس تحلیل های مارکس، تضادهای درونی نظام سرمایه داری باعث ایجاد طبقه کارگر انقلابی به نام پرولتاریا می شود که در مبارزه با طبقه سرمایه دار اساس و بنیان سرمایه داری را بر می اندازد و نظام سوسیالیستی را پیاده می کند. طبیعتاً چنین نظامی اول بار در اروپا به وجود آمد. در اینجا مارکس تأکید می کند که سرمایه داری ذاتاً بی ثبات است. در نظام سوسیالیستی، طبقه کارگر، با اعمال دیکتاتوری، اوضاع و احوال و به طور کلی مهار دولت را در دست می گیرد. در اینجا کارخانه ها و ابزار و وسایل تولید در مالکیت دولت است. این مرحله مرحله انتقالی به جامعه اشتراکی نهایی است که در آن از طبقات خبری نیست و هیچ کس دیگری را استثمار نمی کند. در این جامعه، مالکیت بر ابزار و وسایل تولید جمعی است، همگان به طور مساوی از امکانات موجود بهره می جویند و نهایتاً جامعه به نیازهای جمعی اعضای جامعه پاسخ می دهد. در چنین جامعه ای تضاد طبقاتی وجود ندارد و در نتیجه خوددییگانگی از جامعه رخت بر می بندند و این آخرین شکل نظام اجتماعی برای بشر است (لهسای زاده، ۱۳۸۷: ۲۱).

ویلفردو پاره تو^۱: پاره تو معتقد به کشف قوانین جهانشمول در مورد شکل جامعه و تغییرات آن و یا به عبارت دیگر موضوع توسعه بود. وی چهار خصلت اساسی نظام اجتماعی، یعنی قدرت، بهره وری، ارزش ها و اعتقادات فرهنگی و نابرابری را برشمرده و به دنبال وابستگی متقابل بین این چهارم عنصر بوده است. پاره تو از دادن طرح های تک خطی پرهیز می کرد و نظام های اجتماعی را چرخه هایی میان موقعیت های تمرکز، رکود تولیدی، محافظه کاری فرهنگی و ایستایی از یک سو و عدم تمرکز، افزایش بهره وری، لیبرالیسم فرهنگی و تحرک از سوی دیگر می دانست (ترنر، جانانان-وال، بیگلی، ۱۳۷۰: ۴۸۹-۴۷۹).

جامعه شناسی توسعه پاره تو از سه قسمت تشکیل شده است: ۱. بیان خصلت های اساسی نظام اجتماعی، ۲. ماهیت وابستگی متقابل و تعادل بین خصلت ها، ۳. الگوهای چرخه ای تغییرات. به نظر پاره تو، مهمترین خصلت های نظام اجتماعی عبارتند از: الف) توزیع قدرت، ب) میزان بازدهی نظام، ج) نماد ارزش ها و هنجارها، د) میزان نابرابری منابع، ه) سطح تحرک اجتماعی. (همان)

توزیع قدرت در یک نظام اجتماعی به (الف) میزان تمرکز موقعیت های تصمیم گیری و (ب) کیفیتی که متصدیان در این موقعیت ها کسب قدرت می کنند مربوط می شود. میزان بهره وری دلالت بر این واقعیت دارد که تمامی نظام های اجتماعی کالاها و خدمات را، به منظور دوام نظام، تولید می کنند. اهمیت ارزش ها و اعتقادات ناظر بر عناصر نمادین نظام های اجتماعی است. میزان نابرابری منابع ناظر بر میزان گسترش آن چیزهایی است که ارزشمند قلمداد شده و به طور نابرابر بین متصدیان مختلف توزیع شده است و بالاخره سطح تحرک اجتماعی ناظر بر میزان تحرک متصدیان نظام از موقعیت غیرنخبگی به نخبگی است که این نخبگی یا به صورت منابع قدرت، نمادین یا مادی تعریف می شود.

¹ Wilfredo Pareto (1848-1923)

به نظر پاره‌تو، عناصر مهم نظام اجتماعی وابستگی متقابل دارند و در حالت تعادل به سر می‌برند. مفهوم تعادل بر سه جنبه نظام اجتماعی تأکید دارد. نخست، تغییر اولیه در یک جزء از نظام فشاری را بر اجزای دیگر که میل به تعادل آن جزء دارند، وارد می‌کند. دوم، لاگر تغییر اولیه وزن کافی داشته باشد، تغییر ثانویه در اجزای دیگر نظام رخ خواهد داد و نظام به نقطه تعادل جدیدی خواهد رسید. سوم، روابط متقابل بین اجزای نظامی که در حال تعادل به سر می‌برند مفهوم علیت یکطرفه را به طور مقایسه‌ای در تحلیل‌های نظری بی‌اهمیت خواهد کرد. اجزای نظام متقابلاً در برابر تغییرات در وضعیت‌های مربوط به خود واکنش نشان خواهند داد. پاره‌تو تشریحات توسعه تکاملی را بیشتر بیان تاریخی صرف این موضوع می‌داند که جوامع چگونه رشد و توسعه می‌یابند. به نظر وی، الگوهای منظم نوسان بین عناصر اساسی نظام اجتماعی از تغییرات در اندازه، قلمرو، فن‌آوری و سایر متغیرهایی که در وقایع تاریخی اثر می‌گذارند مهم‌ترند. پاره‌تو بر آن بود که الگوی چرخه‌ای تغییر قابل کشف‌اند و مقولات وابستگی متقابل و سمت‌گیری‌های دیالکتیکی، ذاتی این چرخه‌اند.

نظریه نیل اسملسر: اسملسر از جامعه‌شناسانی است که بحث پارسونز به خصوص در زمینه تزیادهای اجتماعی را بسط می‌دهد و محور اندیشه خود را بر مفهوم «تمایزات ساختاری» استوار می‌کند. به نظر او، در یک جامعه پیشرفته تمایزات ساختاری یا تفکیک کارکردی عناصر ساختی به طور کامل صورت گرفته است. در حالی که جوامع توسعه نیافته فاقد چنین تفکیکی هستند. پس تغییر روی تفکیک متمرکز شده است و آن فرایندی است که در طی آن واحدهای اجتماعی مستقل و تخصصی شده و به جای واحدهای سنتی استقرار می‌یابند (از کیا، ۱۳۸۸: ۹۱).

به نظر اسملسر توسعه اقتصادی یکی از جنبه‌های اجتماعی است و معتقد است که نوسازی مترادف با توسعه اقتصادی به کار می‌رود، ولی دارای معنای مفهوم وسیع‌تری از توسعه اقتصادی است. به نظر او نوسازی ناظر به این نکته است که تغییرات فنی، اقتصادی و بوم‌شناختی همه رشته‌هایی هستند که از درون کلیت جامعه و فرهنگ سر بر می‌کشند. در میان یک ملت نوظهور می‌توانیم شاهد تغییراتی در قلمروهای زیر باشیم:

- در قلمرو سیاست، نظام‌های اقتدار قبیله‌ای و دهکده‌ای جای خود را به نظام‌های اخذ آرای عمومی، احزاب سیاسی، نمایندگی و دستگاه‌های اداری کشور می‌دهند.

- در قلمرو دین، جانمایی نظام‌های معتقدات دنیوی به جای دین‌های قدیمی آغاز می‌شود.

- در قلمرو خانواده، واحدهای وسیع خویشاوندی گسترده‌تری خود را از دست می‌دهند.

- از نظر طبقاتی، تحرک جغرافیایی و اجتماعی، نظام‌های ثبات سلسله مراتب را سست می‌کند (وینر به نقل از کیا، ۱۳۵۴).

تغییراتی که در این قلمروها حادث می‌شود به صورت همزمان و هماهنگ نیست و نوعی تأخر و تقدم در جریان نوسازی محقق می‌شود که جوامع را از آن حرکتهای با نقشه و منظم به دور می‌سازد و به این دلیل هم هست که جوامع در حال گذار همیشه دچار نوعی بحران و نابسامانی هستند که وضعیت آنها را اسملسر چنین ترسیم می‌کند: "جامعه در حال توسعه را می‌توان به حیوان عظیم الجثه و بی‌قواره‌ای تشبیه کرد که با تکان دادن هر یک از اعضایش پیش می‌رود، اما اعضای خود را گاه نسبتاً هماهنگ و گاه بر خلاف یکدیگر تکان می‌دهد."

گفته شد که اسملسر علی‌رغم تفاوت مفهومی که میان نوسازی و توسعه اقتصادی قایل است، این دو مفهوم را مترادف با یکدیگر می‌گیرد. در خصوص توسعه اقتصادی معتقد است که موضوع ساده نیست و جریان توسعه اقتصادی را با توجه به چهار زمینه تکنولوژی، کشاورزی، صنعت و بوم‌شناسی توضیح می‌دهد. به نظر او در پویش توسعه اقتصادی تحولات زیر در این چهار زمینه حادث می‌شود:

- در زمینه تکنولوژی، فنون ساده و سنتی جای خود را به فنون علمی می‌دهند.

- در زمینه کشاورزی، زراعت معیشتی تبدیل به زراعت تجاری و مکانیزه می‌شود.

- در زمینه صنعت، انرژی حاصل از بازوی انسان و حیوان جای خود را به انرژی ماشینی و کارخانه‌ای می‌دهد.
- و در زمینه بوم‌شناسی، حرکت جمعیت و نیروی انسانی را از مزارع و روستاها به طرف شهر داریم.
به نظر اسلمسر با تحقق فرایند نوسازی از لحاظ اجتماعی و جامعه‌شناختی شاهد تغییر و تحول در حوزه‌های روابط کار، روابط خانوادگی و روابط اجتماعی و جمعی هستیم. به عقیده اسلمسر تمامی جوامع در جریان گذارشان از مرحله توسعه نیافتگی به مرحله توسعه یافتگی باید دو تحول زیر را در خود محقق سازند:

اولاً، تمایزات ساختی در آنها باید محقق شود.

ثانیاً یک نوع هماهنگی کارکردی را نیز که به واسطه آن ساخت‌های متمایز شده وحدت بخشد، باید تجربه کنند.
نکته شایان توجه در نظریه اسلمسر این است که او به بحران‌ها و تنش‌هایی که در طی فرایند نوسازی در کشورهای در حال توسعه به وجود می‌آید نیز توجه دارد و جریان نوسازی را به عنوان یک جریان برهم‌زننده نظم اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد. این بی‌نظمی ناشی از موارد زیر است:

- تغییر ساخت جوامع سنتی یک تغییر یکسان و هماهنگ نیست.
- توسعه انواع جدید فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با روش‌های زندگانی قدیمی تعارض پیدا می‌کند.
- کاربرد قدرت متمرکز با قدرت‌های محلی، کاستی، منطقه‌ای و سایر انواع اقتدار سنتی نمی‌تواند در کوتاه مدت به استقرار خود تثبیت لازم را ببخشد. (همان)

اسلمسر معتقد است که الزامات پیشرفت فن‌شناختی، تجدید سازمان کشاورزی، صنعتی شدن و شهرگرایی در جوامع گوناگون متفاوت است و بر این اساس نتیجه صف‌بندی‌های مجدد ساختی نیز متفاوت خواهد بود. برخی منابع تفاوت در این الگوهای آرمانی دگرگونی از این قرارند:

- ۱- تنوع در شرایط ماقبل جدید
 - ۲- تنوع در محرک‌های دگرگونی
 - ۳- تنوع در راهی که به نوسازی منجر می‌شود.
 - ۴- تنوع در مراحل پیشرفت نوسازی
 - ۵- تنوع در محتوا و زمان‌بندی حوادث موثر در دوران نوسازی.
- اسلمسر معتقد است که به منظور تحقق نوسازی باید فرایند تمایزیابی در قلمرو فعالیت‌های اقتصادی، فعالیت‌های خانوادگی، نظام‌های ارزشی و نظام‌های قشربندی محقق گردد:

- در فعالیت‌های اقتصادی فرایند تمایز ساختی به معنای حاکم شدن پول بر جریان کالاها و خدمات و جانسین شدن مناسبات پولی به جای مقرر مذهبی، سیاسی، خانوادگی یا کاستی است.
- در فعالیت‌های خانوادگی تمایز ساختی باید ناظر بر رهایی خانواده از بعضی از کارکردهای سابق و تبدیل آن به یک کارگزاری (آژانس) تخصصی شده‌تر باشد. این گرایش معطوف به جدایی کارکردهای خانوادگی از کارکردهای اقتصادی است. فرایند این جدایی از این قرار است:

- ۱- کاهش کارآموزی در داخل خانواده
- ۲- افزایش فشار بر علیه دخالت خانواده در استخدام نیروی کار و مدیریت
- ۳- تضعیف نظارت مستقیم بزرگ‌ترها و همجواری خویشاوندان با خانواده هسته‌یی
- ۴- افزایش نقش‌گرایش شخصی، عشق و ضابطه‌های مرتبط با آن در امر ازدواج

۵- ارتقاء پایگاه و منزلت زنان در جامعه

- در نظام‌های ارزشی فرایند تمایز ساختی باید به سوی عرفی سازی ارزش‌ها و در هم شکستن الگوهای کهنه جهت‌گیری شود. این فرایند اساساً ناظر بر گذار از ارزش‌ها از ضمانت اجرایی مذهبی به معقولیتی خود مختار است.
- در نظام‌های قشربندی تحت شرایط نوسازی اقتصادی، باید تمایزات در این دو بعد افزایش یابد:
- ۱- وارد شدن دیگر معیارهای ارزشیابی در عضویت‌های اسنادی مرتبط با رتبه بندی اجتماعی
- ۲- افزایش تحرک‌های فردی از طریق سلسله مراتب شغلی.

اسم‌سلسر اشاره می‌کند که تنها تمایز برای نوسازی کافی نیست. توسعه به مثابه هماهنگی و هم‌نوایی متقابل میان تمایز و یگانگی که ساخت‌های تمایز یافته را بر پایه‌ی نوین وحدت می‌بخشد، محقق می‌شود. (اسم‌سلسر، ۱۳۷۲)

نظریه آیزنشتاد: به نظر آیزنشتاد در چارچوب نظریه نوسازی جوامع سنتی اساساً به عنوان جوامعی خیلی محدود و محصور در نظر گرفته شده و بالعکس جوامع مدرن به عنوان جوامعی گسترده و انطباق‌پذیر با شرایط متنوع داخلی و خارجی تلقی می‌شوند و تأکید ویژه‌ای بر توانایی همراهی این جوامع با تغییرات، به طور عام و با توسعه اقتصادی و صنعتی شدن به طور خاص می‌شود. نظریه نوسازی این فرض را پذیرفته است که دنیا هرچه توسعه یافته‌تر و صنعتی‌تر می‌شود، جوامع به طور نسبی همانندتر می‌شوند. این گرایش به همانندی برحسب پویایی‌های درونی نوسازی و مسائل نهادی که گرایش به زدودن و محو تفاوت‌های مهم بین بیشتر الگوهای نهادی این جوامع دارند، تبیین شده‌اند. بنابراین چنین رویکردی تصویری از یک جهان همگن را به دلیل وجود انگیزه‌های قوی برای صنعتی شدن و فنی شدن و تا اندازه‌ای به دلیل وجود گرایش به رشد و مشارکت سیاسی که در بین جوامع وجود دارد، ترسیم می‌کند. نهایتاً تبیینی که در خصوص پویایی‌های تاریخی این تحولات وجود دارد، اینها را در سیر نظریه‌های تطوری کلاسیک قرار دارد و تأکید می‌کردند بر اینکه بیشتر جوامع از طریق مراحل نسبتاً مشابهی عبور می‌کنند و به سوی یک مرحله پایانی عام تجدد در حرکت هستند (آیزنشتاد، ۱۹۸۵: ۱۲-۱۱). آیزنشتاد معتقد است که جوامع در نقطه آغازین خود برای شروع فرایند نوسازی از امکانات و توانمندی یکسانی برخوردار نیستند و محرک‌های نوسازی در همه جوامع وضعیت یکسانی ندارند. معمولاً در کشورهای جهان سوم عواملی نظیر گسترش استعمار، بسط نوآوری‌های فنی و جنبش‌های فرهنگی به عنوان محرک‌های اولیه نوسازی هستند (همان).

قاسمی و همکارانش (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان "شناخت تاثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان" هدف از این پژوهش را تبیین تضاد بین سنت و نوگرایی بر مبنای یکی از زمینه‌های اصلی تضاد در جامعه یعنی تضاد طبقاتی عنوان می‌کنند. به بیان دیگر این پژوهش بر آن است که نشان دهد که یکی از عوامل بوجود آورنده یا تشدید کننده تضاد بین نظام سنتی جامعه و ارزش‌های نوگرایانه، تضاد موجود در نحوه نگرش، بینش و نظام ارزشی افراد متعلق به طبقات مختلف اجتماعی می‌باشد. در نتیجه می‌توان با کاهش فاصله طبقاتی، تضاد بین نگرش‌های موجود در زمینه سنت‌گرایی و نوگرایی را نیز کاهش داد. در کل می‌توان گفت هرچه طبقه اجتماعی بالاتر باشد نگرش افراد نسبت به نوگرایی نیز مثبت خواهد بود و می‌توان امیدوار بود که کاهش فاصله طبقاتی، گامی موثر به سوی ایجاد جامعه‌ای مدرن باشد.

موسایی، میثم (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان رابطه توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی به این نتایج دست یافته‌اند: از لحاظ تاریخی ارتباط توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی در کشورهای توسعه یافته کنونی دارای تجربه متفاوتی از کشورهای در حال توسعه است. در حالیکه در کشورهای در حال توسعه، توجه صرف به توسعه اقتصادی باعث وخیم شدن شاخص‌های اجتماعی شده است، اما در کشورهای توسعه یافته ابتدا باعث وخیم شدن شاخص‌های توسعه اجتماعی شده و سپس بهبود یافته‌اند.

جباری، حبیب (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان توسعه اجتماعی و اقتصادی: دو روی یک سکه؟ چنین می‌نویسد: توسعه اجتماعی و اقتصادی دو روی یک سکه‌اند، سکه‌ای که توسعه نامیده می‌شود. نمی‌توان در بلند مدت جامعه‌ای را که فقط در یک جهت

پیش رفته باشد توسعه یافته تلقی کرد. جامعه ای که به رغم برخورداری از رشد و توسعه اقتصادی بالا، از توسعه اجتماعی مطلوب برخوردار نباشد، توسعه اقتصادی آن نیز دوام نخواهد داشت و آسیب خواهد دید.

قانعی راد، محمد امین (۱۳۸۴) با تحقیقی با عنوان رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه های فقرزدایی در ایران چنین می نویسد: رشد اقتصاد نوین جهانی، تضعیف دولت رفاه در کنار فرایندهای فکری و فرهنگی همچون نقد نظام های سیاسی و اقتصادی در سال های پایانی دهه بیستم فقرزدایی و رفاه اجتماعی را به چالش کشیدند. وی در آخرین بخش مقاله بر ضرورت های گسترش رویکرد توسعه اجتماعی در فقرزدایی و ساماندهی نظام رفاه اجتماعی در ایران تأکید کرده است.

ربانی خوراسگانی و همکاران (۱۳۸۸) با پژوهشی با عنوان بررسی موانع فرهنگی - اجتماعی توسعه با تأکید بر خاص گرایی (مطالعه موردی بندرعباس) چنین می نویسد: در این پژوهش برآنیم تا بدانیم چرا علی رغم اینکه در دو دهه گذشته سرمایه گذاری های کلان صنعتی، اقتصادی و تجاری در بندرعباس صورت گرفته و دانشگاهها و مؤسسات عالی متعددی تأسیس شده اند. این منطقه توسعه درخور نیافته است؟ نتایج بررسی نشان می دهد که میانگین خاص گرایی شهروندان بومی (۲/۸۸)، غیربومی ها (۲/۹۸)، زنان (۲/۸۶)، مردان (۲/۹۳)، اهل سنت (۲/۸) و شیعیان (۲/۹۵) بوده است.

سیف الهی، سیف اله و حمیرا حافظ امینی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تأثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه های قومی در ایران چنین می نویسند: جامعه ایران در طول تاریخ با توسعه ناموزون و عوارض نامطلوب آن مواجه بوده است. تمرکز شدید ساختار مدیریتی موجود پیامدهای منفی قابل توجهی برای جامعه داشته است. یکی از آنها، نابرابری دستیابی به توسعه انسانی در میان گروه های قومی متنوع کشور بوده است. که از پیامدهای آن در منطقه می توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- برخی اصول در عرصه حقوق بین الملل در مورد حق حاکمیت کشورها زیر سؤال رفته است. ۲- کم توجهی به مطالبات و انتظارات گروه های قومی که به صورت توسعه انسانی نامتوازن و عدم مشارکت در جامعه تجلی یافته است. ۳- کارکرد نامطلوب ساختارهای جمعیتی - قومی، اقتصادی معیشتی و فرهنگی جامعه در گروه های قومی شرایط تأثیرپذیری از ایدئولوژی ناسیونالیستی را تشدید می سازد.

در تحقیقات لوی (۱۸۶۷) از دو گونه جامعه نسبتاً نوسازی شده و نسبتاً نوسازی نشده نام برده شده است. از نظر لوی جوامع نسبتاً نوسازی نشده دارای مشخصات زیر هستند: درجه پایین تخصص گرایی، اصول فرهنگی مبتنی بر سنت، خاص گرایی، خویشاوند گرایی. در مقابل جوامع نسبتاً نوسازی شده از ویژگی های زیر برخوردارند: درجه بالای تخصص گرایی و وابستگی متقابل سازمان ها قواعد فرهنگی مبتنی بر عقلانیت، تأکید زیاد بر گردش پول و بازار. وی از انگلستان، ژاپن جدید و ایالات متحده به عنوان جوامع نسبتاً نوسازی شده و از چین، هند و جزایر تروبریانند به عنوان نمونه هایی از جوامع نسبتاً نوسازی نشده نام می برد.

لیست در اثر تحقیقی خود این موضوع را دنبال می کند که چه رابطه ای میان توسعه اقتصادی و دموکراسی سیاسی موجود است؟ وی چنین می نویسد: قطع نظر از اینکه چه شاخص هایی را برای توسعه اقتصادی به کار بگیریم. این شاخص ها همواره برای کشورهای دموکراتیک بالاتر از کشورهای غیردموکراتیک هستند یعنی کشورهای دموکراتیکی که از متوسط ثروت بالاتر، درجه صنعتی شدن و شهرنشینی بیشتر و تحصیلات بالاتر برخوردارند.

آر. ان. جینی (۲۰۰۹) در مقاله ای تحت عنوان تئوری نوسازی، یک دامنه وسیع تری از نوسازی را در نظر می گیرد و چنین بحث می کند که بیشترین سهم در تئوری نوسازی از تئوری های اقتصادی و از طرفی از جامعه شناسان بدست می آید. هدف این تحقیق ارزیابی مجدد تئوری نوسازی و آزمون دوباره آن در دو طبقه، تفسیرهای اقتصادی و تفسیرهای اجتماعی است.

اهداف پژوهش

- تحلیل فضایی شهرستانهای استان کهگیلویه و بویراحمد به لحاظ شاخص های توسعه یافتگی
- تلاش در جهت بهبود مسائل و مشکلات شهرستانهای غیر برخوردار
- تعیین سطح بندی برخورداری شهرستانهای استان با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی و خوشه ای

روش شناسی

در این پژوهش از روش ترکیبی اسنادی، میدانی بارویکرد کمی-تحلیلی استفاده شده است. با بررسی و تحلیل شاخص های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، زیر بنایی و غیره به سطح بندی شاخص های یاد شده در استان پرداخته شده است. با استفاده از سیستم تحلیل عاملیه تحلیل آماری اقدام نموده تعداد ... را به شش عامل کاهش داده ایم. در این پژوهش همچنین با استفاده از تکنیک خوشه ای بر مبنای همگنی متغیرها آنها را به شیوه ای مناسب گروه بندی و مورد تبیین قرار میگیرد. برای کسب نتایج دقیقتر و تحلیل فضایی از نرم افزار SPSS استفاده گردیده است.

محدوده مورد مطالعه

کهگیلویه و بویراحمد یکی از استانهای کشور ایران است. مرکز آن شهر یاسوج است و با مساحتی حدود ۱۶ هزار و ۲۴۹ کیلومتر مربع، سرزمینی نسبتاً مرتفع و کوهستانی است. جمعیت کهگیلویه و بویراحمد بر پایه سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ برابر با ۶۴۰۰۰۰ نفر بوده که ۵۰ درصد آنها در شهرها سکونت دارند. این استان به هفت شهرستان و ۱۶ بخش تقسیم شده است که شامل ۱۶ شهر و بیش از ۱۷۰۰ روستا می گردد. این استان از نظر جمعیت و مساحت از استانهای کوچک ایران است و در هر دو مورد دارای رتبه ۲۸ در بین سی استان می باشد. بزرگترین و پرجمعیت ترین شهرستان استان، شهرستان بویراحمد به مرکزیت یاسوج می باشد. طی پژوهشی که شرکت پژوهشگران خبره پارس به سفارش شورای فرهنگ عمومی در سال ۸۹ انجام داد و براساس یک بررسی میدانی و یک جامعه آماری از میان ساکنان ۲۸۸ شهر و حدود ۱۴۰۰ روستای سراسر کشور، درصد اقوامی که در این نظر سنجی نمونه گیری شد در استان کهگیلویه و بویراحمد به قرار زیر بود: ۳/۶ فارس ۵ ترک ۹۰/۶ لُر و ۰/۷ بدون جواب بودند.



تکنیک تحلیل عاملی (Factor Analysis)

تحلیل عاملی مدلی آماری و از تکنیک های قدرتمندی است که در علوم مختلف کاربردهای زیادی دارد. (کلاین، ۱۳۸۰) و فرض می کند تعداد کمی از مفاهیم مشاهده نشده برای همبستگی میان تعداد زیادی از متغیرها مشاهده شده، مسئول هستند. تحلیل عاملی فرض میکند که واریانس هر کدام از دو قسمت به دست می آید، یک قسمت عمومی که با دیگر متغیرهایی که موجب همبستگی

میان آنها می شوند، مشترک است و قسمتی منحصر به فرد که از دیگر متغیرها متفاوت است. قسمتهای مشترک عامل نامیده می شود و نشان دهنده مفاهیم نامرئی اند (Wang, 2001). تحلیل عاملی تکنیکی است که کاهش تعداد زیادی از متغیرهای وابسته به هم را به صورت تعداد کوچکتری از ابعاد پنهان و مکنون امکان پذیر می سازد. فرض اصلی تحلیل عاملی این است که عاملهای زیربنایی متغیرها را می توان برای تبیین پدیده های پیچیده به کار برد و همبستگی های مشاهده شده بین متغیرها، حاصل اشتراک آنها در این عامل ها و تشخیص این عاملهای مشاهده پذیر بر پایه مجموعه ای از متغیرهای مشاهده پذیر است (حکمت نیا- موسوی، ۱۳۹۰). هدف اصلی تحلیل عاملی تلخیص تعداد زیادی از متغیرها در تعداد محدودی از عامل هاست. بطوریکه کمترین میزان از دست رفتن اطلاعات را داشته باشیم. دستیابی به ابعادی که به صورت پنهان در مجموعه وسیعی از متغیرها وجود دارد ولی به آسانی قابل مشاهده نمی باشد و ابداع روشی برای ترکیب تعداد زیادی از افراد در گروههای مختلف از کاربردهای مهم این تکنیک در تحلیل داده ها می باشد. در این تکنیک نه تنها موجب صرفه جویی علمی می شود بلکه محقق با استفاده از آن به شاخص سازی دست می زند و مجموعه پیچیده ای از داده ها را به چند عامل تقلیل می دهد (زرگر، ۱۳۸۰).

شاخص ها

کلیدی ترین مرحله در تحقیقات این چنینی، انتخاب شاخص های توسعه یافتگی است. تعیین شاخص ها مهمترین قدم در مطالعات توسعه ناحیه ای است و در واقع بیان آماری پدیده های موجود در ناحیه است (کلانتری، ۱۳۸۰). برای بیان اهمیت شاخص های توسعه و نقش آن در بیان آماری پدیده ها، ضروری است مفاهیم مربوط به متغیر و شاخص به طور عمیق تر بررسی شود. متغیرها ارقام خامی هستند که نمی توانند سطح توسعه مناطق را در معیارهای انتخاب شده نشان دهند (نصرالهی- اکبری و...، ۱۳۹۰). شاخص ها برنامه ریزان را قادر خواهند نمود تا موقعیت و جایگاه منطقه مورد پژوهش را بخوبی مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داده و فاصله آن را با وضعیت ایده آل مورد بررسی قرار دهند.

جدول (۱): عامل ها و شاخص های مورد استفاده در پژوهش

عامل (شاخص اصلی)	زیر شاخص ها
عامل اقتصادی	۱- درصد شاغلین بخش صنعت نسبت به کل شاغلین ۲- درصد شاغلین بخش حمل و نقل نسبت به کل شاغلین ۳- درصد شاغلین بخش آموزش نسبت به کل شاغلین ۴- درصد شاغلین بخش بهداشت نسبت به کل شاغلین ۵- نرخ بیکاری ۶- ضریب کل اشتغال
عامل زیربنایی	۷- تعداد موسسات مسافرتی ۸- نسبت خانواده های دارای اتومبیل ۹- نسبت مشترکین تلفن به خانوارها ۱۰- تعداد شهرها ۱۱- نسبت استفاده از مواد نفتی
عامل آموزشی	۱۲- نسبت دانش آموز به جمعیت بالای شش سال ۱۳- نسبت معلم
عامل بهداشتی-درمانی	۱۴- تعداد تخت بیمارستانی به ازای هر ۱۰ هزار ۱۵- تعداد پزشک عمومی ۱۶- تعداد پزشک متخصص ۱۷- تعداد داروخانه ۱۸- تعداد آزمایشگاه ۱۹- تعداد مرکز پرتو نگاری
عامل فرهنگی-اجتماعی	۲۰- درصد با سواد ۲۱- تعداد کتابخانه ها ۲۲- تعداد مساجد ۲۳- تعداد سینما ۲۴- درصد شهرنشینی ۲۵- نسبت دانشجویان ۲۶- نسبت طلاب حوزه های علمیه ۲۷- تعداد دانشگاهها ۲۸- نسبت فارغ التحصیلان ۲۹- سالنهای ورزشی
عامل جمعیت و اشتغال	۳۰- نسبت جمعیت فعال اقتصادی ۳۱- میزان مرگ و میر ۳۲- تراکم نسبی جمعیت ۳۳- نسبت مهاجرت پذیری

منبع: نگارنده

تحلیل خوشه ای (Cluster Analysis)

این تکنیک از روشهای پر کاربرد در مطالعات جغرافیای ناحیه ای است (حکمت نیا، موسوی، ۱۳۹۰). این روش برای سطح بندی مناطق، شهرها، روستاها بوده که در این سطح بندی مکانهای واقع در یک سطح، شباهت زیادی با همدیگر داشته‌اند تفاوت قابل توجهی با مکانهای سطوح دیگر دارد. تحلیل خوشه ای به دو شکل خوشه ای سلسله مراتبی و خوشه ای غیر سلسله مراتبی صورت می‌گیرد که نوع اول بیشتر در مطالعات جغرافیایی کاربرد دارد (حکمت نیا، موسوی، ۱۳۹۰). تحلیل خوشه ای به محقق امکان می‌دهد بر مبنای همگنی موجود در بین موضوعات مورد بررسی، آنها را به شیوه‌های مناسب طبق بندی و سپس نتایج را تفسیر نمایند (کلانتری، ۱۳۸۵، ص ۲۲۹). در روش خوشه ای سلسله مراتبی ساختار درختی به دو شیوه تراکمی و تفکیک پذیری انجام می‌گیرد. در این روش که در این پژوهش از آن استفاده شده هر مورد با خوشه جداگانه خاص خود آغاز می‌شود، سپس در هر مرحله چند موضوع با هم ترکیب می‌شوند و خوشه جدید را ایجاد می‌کنند در هر مرحله تعداد خوشه‌ها به طور یک به یک کاهش می‌یابد. بدین ترتیب به تدریج تمام مکان‌ها با همدیگر ادغام شده و نهایتاً یک خوشه بزرگی را پدید می‌آورند (حکمت نیا، موسوی، ۱۳۹۰).

نتایج و بحث

مراحل انجام تحلیل عاملی

- تشکیل ماتریس داده‌ها: ماتریس داده‌ها عبارتست از ماتریسی که ستون‌های آن شامل شاخص‌ها و سطرهای آن شامل شهرستان‌ها خواهد بود.

جدول (۲): تشکیل ماتریس داده‌ها برای شهرستان‌های استان (۱۳۹۲)

شاخص‌ها	بویراحمد	کهگیلویه	گچساران	باشت	بهمنی	دنا	لنده	چرام
۱	۰/۴۵	۰/۲۷	۰/۲۳	-	۰/۳۳	۰/۲۶	-	-
۲	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۱۰	۰/۷	۰/۸	۰/۶	۰/۹
۳	۱/۴۷	۱/۵۵	۰/۹۶	۱/۶۸	۱/۷۳	۱/۱۹	-	۱/۲۸
۴	۱/۳۹	۱/۱۲	۱/۳۰	۰/۴۶	۱/۷۳	۱/۱۹	-	۰/۴۲
۵	۳/۹۰	۵/۵۱	۹/۱۱	-	۵/۴۲	۶/۶۹	-	-
۶	۲۲/۴۹	۲۵/۴۷	۲۴/۰۲	-	۱۶/۴۹	۲۲/۹۳	-	-
۷	۲۵	۱۶	۱۲	۵	۵	۵	۳	۴
۸	۳۴	۲۹	۳۱/۵	۲۶	۲۹/۱۷	۳۱/۲	۲۵/۲۵	۲۹/۵
۹	۷۶	۷۴	۷۸	۵۳	۴۳	۳۸	۳۷	۴۷
۱۰	۴	۳	۱	۱	۱	۳	۱	۱
۱۱	۶۶/۰۹	۳۸/۴۳	۸۹/۶	۴۹/۶۶	۳۶/۴۵	۲۳/۳۶	-	۳۲/۰۹
۱۲	۲۸/۷	۲۱/۸۴	۳۳/۲۹	۳۰/۶۱	۲۱/۱۵	۲۵/۱۴	-	۲۳/۱۲
۱۳	۱/۲۵	۱/۳۲	۰/۸۱	۱/۲۱	۱/۵۴	۱/۲	-	۱/۰۱
۱۴	۱۵۰	۱۰۵	۱۳۰	۱۰	۸	۵	۴	۳
۱۵	۷۶	۴۷	۱۹	-	۹	۱۹	-	۸
۱۶	۷۷	۳۲	۳۱	-	-	۴	-	-
۱۷	۳۵	۱۲	۱۵	۳	۲	۳	-	۱
۱۸	۵۴	۱۸	۱۱	۱	۵	۴	-	۱
۱۹	۱۱	۳	۳	۵	۱	۲	-	۱
۲۰	۷۹/۳۶	۷۶/۳۲	۸۴/۹۱	۸۵/۶۲	۸۴/۴۰	۹۱/۶۴	۸۵/۴۳	۸۶/۲۱
۲۱	۱۵	۱۱	۸	۴	۶	۵	-	۴

۵	۴	۵	۹	۶	۱۵	۲۵	۳۶	۲۲
-	-	-	-	-	۲	۱	۱	۲۳
۳۹	-	۲۲	۴۶	۴۶	۷۷	۵۴	۵۱	۲۴
۲۰/۱۹	-	۲۳/۱۷	۱۸/۵	۲۷/۵۴	۲۹/۷۵	۱۸/۴۵	۲۵/۷	۲۵
۰/۱۷	۰/۱۶	۰/۱۷	۰/۲۶	۰/۴۵	۰/۷۵	۲/۱	۱/۸	۲۶
۱	-	۱	۲	۱	۵	۳	۱۱	۲۷
۱۹/۷۵	-	۲۳/۲۶	۱۷/۲۵	۲۶/۶۵	۲۹/۲	۱۷/۳۷	۲۴/۵	۲۸
۳	۳	۴	۴	۲	۸	۵	۱۵	۲۹
۵۹/۹۹	۵۹/۹۹	۶۰/۰۱	۵۹/۹۹	۵۹/۹۹	۵۹/۹۹	۶۰	۵۹/۹۹	۳۰
-	-	۱/۱۷	۰/۳۷	-	۰/۶۶	۰/۷۹	۰/۹۴	۳۱
۴۰	۳۹	۳۹	۳۸	۳۹	۴۵	۴۹	۴۱	۳۲
-	-	۱۳/۴۷	۱۸/۱۸	۱/۷۸	۲۳/۳۴	۲۲/۵۴	۲۵/۱۸	۳۳

▪ محاسبه ماتریس همبستگی: برای انجام محاسبات در مراحل بعدی و ارتباط درونی بین شاخص ها از ماتریس همبستگی استفاده می شود. اگر همه شاخص ها در جهت مثبت مرتب شده باشد و کیفیت بیشتر نشانگر وضع بهتر باشد، همبستگی ها مثبت خواهد بود. یعنی افزایش مقادیر هر یک از شاخصها با افزایش مقادیر شاخص های دیگر خواهد بود (حکمت نیا، موسوی، ۱۳۹۰).

استخراج عامل ها

استخراج عامل ها با استفاده از ماتریس همبستگی بین شاخص ها بدست می آید. در این مرحله برای بدست آوردن سازه های زیربنایی که موجب مشاهده تغییرات متغیرهاست با استفاده از SPSS اقدام می شود. همبستگی هر متغیر با دو عامل بار عاملی نام دارد که مقدار آن بین -۱ و +۲ تغییر می کند.

جدول (۳): مقادیر ویژه و درصد واریانس عامل ها

فهرست عامل ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۲۳,۲	۵۲,۲	۵۴,۱
۲	۳,۹۵۸	۱۱,۲۳۴	۵۹,۵۳۴
۳	۳,۷۸۴	۷,۲۴۳	۶۶,۳۵۲
۴	۳,۰۲۱	۵,۶۳۵	۷۱,۲۳۸
۵	۲,۹۸۶	۸,۵۶۳	۶۵,۳۴۵

دوران یا چرخش عامل ها

اگر شاخص روی یک عامل حمل شود و یا مقادیر بارگزاری شده هر شاخص در عامل بزرگ و مثبت و یا نزدیک به صفر باشد در آن صورت کار تفسیر عوامل ساده خواهد بود. در صورتیکه مقادیر بارگزاری شده هر شاخص شامل مقادیر متوسط روی چند عامل باشد، کار تفسیر عامل سخت خواهد بود. برای رسیدن به حالت مطلوب عوامل چنان دوران داده می شود تا ساختار ساده ای بدست آید (حکمت نیا، موسوی، ۱۳۹۲).

جدول (۴): مقادیر ویژه و درصد واریانس عامل ها پس از چرخش عامل ها

فهرست عامل ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۲۱,۳۵	۴۰,۵۲	۴۵,۳۸۴
۲	۵,۹۸	۱۹,۲۵	۵۹,۶۵

۷۱,۲۳۵	۷,۹۸۵	۳,۲۴	۳
۶۰,۳۴۸	۷,۲۳۴	۳,۰۲۵	۴
۶۷,۸۶۴	۶,۹۷۱	۴,۲۹۸	۵

نامگذاری عامل ها

رتبه بندی شهرستان ها: برای رتبه بندی شهرستان ها از امتیاز عاملی که برای هر یک از شهرستان ها محاسبه شده به رتبه بندی مبادرت می ورزیم.

• عامل اقتصادی

رتبف	شاخص	همبستگی
۱	درصد شاغلین بخش صنعت نسبت به کل شاغلین	۶۸,۵
۲	درصد شاغلین بخش حمل و نقل نسبت به کل شاغلین	۸۵,۲
۳	درصد شاغلین بخش آموزش نسبت به کل شاغلین	۷۸,۱
۴	درصد شاغلین بخش بهداشت نسبت به کل شاغلین	۶۶,۳
۵	نرخ بیکاری	۵۴,۹
۶	ضریب کل اشتغال	۶۷,۸

• عامل زیربنایی

رتبف	شاخص	همبستگی
۱	تعداد موسسات مسافرتی	۸۰,۲
۲	نسبت خانواده های دارای اتومبیل	۷۱,۲
۳	نسبت مشترکین تلفن به خانوارها	۶۴,۵
۴	تعداد شهرها	۷۶,۲
۵	نسبت استفاده از مواد نفتی	۶۴,۴

• عامل بهداشتی - درمانی

رتبف	شاخص	همبستگی
۱	تعداد تخت بیمارستانی به ازای هر ۱۰ هزار	۷۹,۳
۲	تعداد پزشک عمومی	۸۵,۵
۳	تعداد پزشک متخصص	۷۴,۳
۴	تعداد داروخانه	۶۷,۳
۵	تعداد آزمایشگاه	۵۶,۳
۶	تعداد مرکز پرتو نگاری	۶۵,۱

• عامل فرهنگی - اجتماعی

رتبف	شاخص	همبستگی
۱	درصد با سوادی	۵۵,۲
۲	تعداد کتابخانه ها	۷۵,۷
۳	تعداد مساجد	۸۳,۱
۴	تعداد سینما	۷۲,۶
۵	درصد شهرنشینی	۶۳,۹

۶	نسبت دانشجویان	۷۴,۵
۷	نسبت طلاب حوزه های علمیه	۶۷,۷
۸	تعداد دانشگاهها	۸۴,۲
۹	نسبت فارغ التحصیلان	۸۲,۵
۱۰	سالنهای ورزشی	۸۰,۱

• عامل جمعیت و اشتغال

ردیف	شاخص	همبستگی
۱	نسبت جمعیت فعال اقتصادی	۷۰,۵
۲	میزان مرگ و میر	۷۸,۹
۳	تراکم نسبی جمعیت	۸۴,۲
۴	نسبت مهاجرت پذیری	۶۵,۲

کاربرد روش تحلیل خوشه ای در بررسی سطوح توسعه یافتگی شهرستان های استان کهگیلویه و بویر احمد
در پژوهش حاضر پس از تجزیه و تحلیل شاخصهای مؤثر در توسعه توسط تکنیک تحلیل عاملی در مرحله بعدی با استفاده از تکنیک تحلیل خوشه ای و به کمک عوامل مؤثر استخراج شده در مرحله قبلی شهرستان های استان را از لحاظ سطح توسعه یافتگی به ۳ دسته برخوردار، تا حدی برخوردار، محروم تقسیم می کنیم در جدول زیر سطح توسعه یافتگی شهرستان های استان کهگیلویه و بویراحمد بر اساس شاخصهای مورد مطالعه نشان داده شده است.

سطح توسعه یافتگی شهرستان های استان کهگیلویه و بویراحمد

بالاترین سطح توسعه یافتگی	میزان توسعه متوسط	کمترین میزان توسعه
شهرستان بویراحمد، شهرستان کهگیلویه، شهرستان گچساران	شهرستان دنا، شهرستان چرام	شهرستان لنده، شهرستان بهمئی، شهرستان باشت

نتیجه گیری

در این پژوهش جهت تعیین سطوح توسعه یافتگی شهرستان های استان کهگیلویه و بویراحمد ۳۳ متغیر نرم سازی شده با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به ۶ عامل معنی دار تقلیل یافت سپس با استفاده از عوامل نهایی استخراج شده تحلیل خوشه ای انجام گرفته شهرستان ها از لحاظ سطح توسعه یافتگی در پنج خوشه همگن و مشابه طبقه بندی شده اند با استفاده از شاخص وضعیت امکانات و خدمات موجود در شهرستان های استان مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت شهرستان های کهگیلویه، گچساران به عنوان شهرستان های برخوردار و شهرستان های بهمئی، باشت و لندان شهرستان های محروم شناخته شدند..

منابع

۱. آلون، ی. سو (۱۳۷۸)، تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی،
۲. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۶)، جامعه شناسی توسعه، تهران، چاپ ششم، انتشارات کیهان،
۳. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰)، جامعه شناسی توسعه، چاپ سوم، تهران: موسسه نشر کلمه،
۴. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰)، نظریه های توسعه نیافتگی، تهران، نشر توسعه،
۵. اسملسر، نیل (۱۹۶۳)، به سوی نظریه ای در نوسازی، ترجمه محمد جواد زاهدی مازندرانی در: اقتصاد کشاورزی و توسعه، تهران، فصلنامه پژوهشی مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، تابستان ۱۳۷۲، شماره ۲، صفحات ۱۴۸ تا ۱۶۶
۶. پیت، ریچارد و هارت ویک، الین (۱۳۸۹)، نظریه های توسعه، ترجمه مصطفی ازکیا، رضا صفری شالی و اسماعیل رحمانپور، تهران، نشر لویه، چاپ دوم

۷. توحیدلو، سمیه(۱۳۸۵)، بررسی اثر و پیامدهای توسعه صنعتی بر توسعه اجتماعی در منطقه احمدآباد مستوفی با تاکید بر دانش‌آموزان دوره دبیرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
۸. تودارو، مایکل(۱۳۷۱)، توسعه اقتصادی جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
۹. پورجعفر، محمدرضا و دیگران(۱۳۹۳)، رهیافتی تحلیلی در شناخت مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و بارزهای توسعه پایدار شهری، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، شماره سوم.
۱۰. حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میرنجف(۱۳۹۰). کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه ریزی شهری، تهران، انتشارات علم نوین. چاپ دوم.
۱۱. جباری، حبیب(۱۳۸۶)، توسعه اجتماعی و اقتصادی: دو روی یک سکه؟، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۰، تهران، دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی
۱۲. حسن‌زاده صدیقه(۱۳۸۸)، عوامل اجتماعی موثر بر شکاف طبقاتی در بین ساکنین محله شرکت نفت و محله سادات، پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه پیام نور گچساران
۱۳. ربانی خوراسگانی، رسول و همکاران(۱۳۸۸)، بررسی موانع فرهنگی - اجتماعی توسعه با تاکید بر خاص‌گرایی(مطالعه موردی بندرعباس)، جامعه‌شناسی کاربردی، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، پاییز
۱۴. زنگی آبادی، علی و اکبری، محمود(۱۳۹۰). ارزیابی و تحلیل توسعه یافتگی شهرستانهای استان فارس، مجله محیط‌شناسی، سال سی و هفتم، شماره ۵۹
۱۵. زیاری، کرامت‌اله(۱۳۸۱). شناسایی سطوح توسعه در مناطق ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۵۱-۵۰، صص ۱۲۳-۱۰۷
۱۶. سالنامه آماری استان کهگیلویه و بویراحمد(۱۳۹۰). معاونت برنامه ریزی استانداری، دفتر آمار و اطلاعات
۱۷. سیف‌الهی، سیف‌اله و حافظ امینی، حمیرا(۱۳۸۸)، برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تاثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروههای قومی در ایران، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد گرمسار، سال سوم، شماره دوم، صفحات ۶۷ تا ۹۸
۱۸. ضرابی، اصغر و تبریزی، نازنین(۱۳۸۹). تعیین سطح توسعه یافتگی شهرستانهای استان مازندران - رویکرد تحلیل عاملی، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۲، صص ۶۳-۷۷
۱۹. قاسمی، وحید و همکاران(۱۳۸۹)، شناخت تاثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره پیاپی ۳۷، شماره اول، بهار
۲۰. قانع‌ی‌راد، محمدامین(۱۳۸۴)، رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸
۲۱. کلانتری، جلیل(۱۳۸۰). برنامه ریزی و توسعه منطقه ای(تئوری و تکنیک) تهران، انتشارات خوشبین
۲۲. کلانتری، خلیل(۱۳۸۲). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی، تهران، انتشارات فرهنگ صبا
۲۳. کلانین، پ(۱۳۸۰). راهنمای آسان تحلیل عاملی، ترجمه اصغر مینایی و دیگران، تهران، انتشارات سمت.
۲۴. متقی، افشین و دیگران(۱۳۹۲)، بررسی توسعه مکانی و فضایی خدمات بهداشتی و درمانی در استان‌های مختلف کشور ایران، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره دوم.
۲۵. مرکز آمار ایران(۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. نتایج تفصیلی شهرستانهای استان
۲۶. مسیبی، سمانه و تقدیسی، احمد(۱۳۹۲). تحلیل فضایی و سطح بندی شاخصهای اشتغال در استانهای کشور(بکارگیری سیستم تحلیل عاملی و روش خوشه‌ای). مجله آمایش سرزمین، شماره ۲، دوره ۵، صص ۳۸۳-۳۶۱
۲۷. مومنی، مهدی و قهاری، غلامرضا(۱۳۹۲). تحلیلی بر وضعیت توسعه یافتگی شهرستانهای استان فارس، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال سوم، شماره ۹
۲۸. مهدوی، مسعود و طاهرخانی، مهدی(۱۳۸۳). کاربرد آمار در جغرافیا، قومس
۲۹. مور، برینتگون(۱۳۶۹)، ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر دانشگاهی،
۳۰. موسایی، میثم(۱۳۸۸)، رابطه توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۲۰، زمستان
۳۱. میسر، رامش و رپرآساد(۱۳۶۶)، برداشتی نواز مسایل توسعه، ترجمه حمید فراهانی راد، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی، انتشارات تهران،

تحلیل فضایی و ارزیابی شاخص های توسعه یافتگی شهرستان های استان کهگیلویه و بویراحمد / ۱۲۷

۳۲. نصرالهی و همکاران (۱۳۹۰). تحلیل مقایسه ای روش های رتبه بندی در اندازه گیری توسعه یافتگی استان خوزستان، مجله آمایش سرزمین، سال سوم، شماره ۴، صص ۹۳-۶۵
۳۳. نوابخش، مهرداد (۱۳۸۶)، مبانی نظریه در جامعه شناسی، انتشارات پردیس دانش،
۳۴. نوابخش، مهرداد (۱۳۸۷)، درآمدی بر جامعه شناسی شهری، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات،
۳۵. نوابخش، مهرداد (۱۳۸۸)، مبانی پایدار توسعه شهری، انتشارات جامعه شناسان،
۳۶. یان روکس برو، نظریه توسعه نیافتگی، جامعه شناسی توسعه، ترجمه مصطفی از کیا، تهران، نشر توسعه، ۱۳۷۰.

Archive of SID